

۳

نگارہی مقام



مثنیٰ مخزومی استاد حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نگاهی به مقام امام حسین (ع)

نویسنده:

استاد حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به مقام امام حسین (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	سخن ناشر
۶	تعبیر امام عصر (عج) از امام حسین (ع) به مولای ما
۷	مردود نشدن دعای امام حسین (ع) به صورت مطلق
۸	هیچ قلم و مُرگبی برتر از خون حسین (ع) نیست
۸	سلام امام عصر بر خون حسین (ع) ، به عنوان خون زنده
۹	تجلیل ویژه پیامبر (ص) از امام حسین (ع) : حسین از من است و من از او
۹	عوض‌های شهادت حسین (ع) در دنیا
۱۰	غبار زائر حسین (ع) ، نجات‌بخش است
۱۱	پیامبر (ص) ، اولین زائری که بر حسین (ع) می‌گرید
۱۲	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نگاهی به مقام امام حسین (ع)

## مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاریان حسین ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدید آور: نگاهی به مقام امام حسین علیه السلام/مؤلف حسین انصاریان. مشخصات نشر: قم: دارالعرفان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۵ ص. ۹×۵/۱۹. شابک: ۳۵۰۰ ریال ۸-۲۶-۲۹۳۹-۹۶۴-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -- وعظ موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم ۴ - ۶۱ ق. موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- فضایل رده بندی کنگره: BP۴۱/۴/الف ۸۶۸۲ن ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۴۸۱۲۳

## سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامه عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد. در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانه دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است. امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین حبیب الہنا وطیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیہ و علی اهل بیتہ الطیبین الطاہرین المعصومین المکرمین

## تعبیر امام عصر (عج) از امام حسین (ع) به مولای ما

وجود مبارک امام زمان (عج)، در نامه‌ای به قاسم بن علاء همدانی که اهل یمن بود و وکیل وجود مبارک امام عسگری (ع) در امور دین و دنیای مردم، می‌نویسد: قاسم بن علاء! پنجشنبه روز سوم شعبان روز، ولادت مولای ما، حضرت حسین بن علی (ع) است. (۱) این که امام زمان عج می‌فرماید: «مولای ما» و نمی‌فرماید: «مولای من»، آیا منظور از «مولای ما»، همه اهل بیت: از امام سجاد (ع) به بعد و همه شیعیان هستند؟ این قابل تحقیق است؛ چون امام (ع) جمع را در این نامه در نظر داشته است، عبارت: «مولای ما» به کار می‌برند تا خودشان را هم در این نامه جزو جمع به حساب آورند. آن وقت باید سراغ عنوان این جمعی رفت که وجود مبارک حضرت اباعبدالله حسین (ع) مولای آن‌هاست. در برابر کلمه «مولا» در قرآن، روایات و فقه، کلمه «عبد» آمده است. در دعای کمیل، چند بار امیرمؤمنان خطاب به پروردگار دارد، «الهی»، «سیدی» و «مولای». آن کسی که در برابر مولا است، عبد می‌باشد. البته، مقام عبودیت در برابر مولویت حق، مسأله ویژه‌ای است. در آن‌جا، «مولا»، خالق عبد، رازق عبد، و ربّ عبد است. دنیا و آخرت عبد، در اختیار مولای آن عبد است، ولی مسأله مولا و عبد در غیر خدا، معنایش این است که سرمایه‌داری آمده و افرادی را با هزینه کردن و سرمایه دادن، خریده است و آن‌ها در خدمت او هستند؛ آن‌ها برای او کار کرده و زحمت

می کشند ، و مولا هم در مقابل زحماتشان ، به آنان نظر ، توجه و لطف دارد و زمانی هم می رسد که مولا برای خدا رو به عبدش کرده و می گوید : «أَنْتَ حُرٌّ لَوْجِهَةِ اللَّهِ .» : من به خاطر خدا ، تو را از آن زحمت ، از آن رنج ، از آن مرارتی که برای من می کشی ، آزاد کردم و اکنون تو آزادی ، پس راحت باش ! آیا وجود مبارک امام عصر (عج) می خواهد بگوید : حسین بن علی (ع) بعد از این که به دنیا آمده ، با آن هزینه ای که کرده ، همه ما را از دست کفر ، ظلم ، بدبختی ، تیرگی و تاریکی خریدار است و ما عبد او شدیم ، و باید منتظر بمانیم تا خدمات ما مورد قبول او قرار بگیرد و در روز قیامت ایشان به پروردگار بگوید من می خواهم هر کس را که در مدار عبد بودن مولویت من قرار گرفته ، آزاد کنم تا مصائب قیامت ، مشکلات قیامت ، دوزخ قیامت ، متوجه او نشود ؛ چون پروردگار عالم هم بنا دارد خواسته ابا عبدالله (ع) را مطلقاً رد نکند .

### مردود نشدن دعای امام حسین (ع) به صورت مطلق

البته ، خداوند متعال این وعده مردود نشدن دعا را به صورت مطلق برای هیچ پیغمبر و امامی ضمانت نکرده است . در متن قرآن ، در سوره مبارکه توبه است . البته ، داستانی اتفاق افتاد که این آیه شریفه نازل شد . داستان هم این طور که شیعه و سنی نوشته اند ، این بود که جوانی که به عنوان شأن نزول این آیه است ، جوانی پاک ، مؤمن و متدین بود که در جنگ احد شهید شد ، و شهادت او هم مربوط به صبح عروسی اش بود . او پیش از شهادتش خدمت رسول خدا (ص) آمد ، و به پیغمبر عظیم الشان اسلام (ص) که به خاطر ایمان این جوان و ارزشش ، خیلی به این جوان علاقه داشت ، عرض کرد : پدرم از دنیا رفته و من هم می دانم که شما نظری به این پدر من نداشتید ؛ چون پدرم باطن خبیث ، آلوده و زشتی داشت . شما اگر بر جنازه او حاضر نشوید و نماز نخوانید ، من می ترسم خانواده ما انگشت نما شوند ، و این مسأله هم برای من سنگین و سخت است . حضرت فرمود : بروید جنازه اش را بیاورید تا من بر او نماز بخوانم . آن جنازه را تشییع کردند و به کنار مسجد آوردند . رسول خدا (ص) بیرون آمد و بر آن نماز خواند . دیگر ما نمازی بالاتر از نماز رسول خدا (ص) که نداریم ؟ کمیت نماز ما با رسول خدا (ص) یکی است . ما در نماز میت پنج تکبیر می گوئیم ، و رسول خدا (ص) هم پنج تکبیر می گفت ؛ همان طور که رسول خدا (ص) صبح دو رکعت نماز می خواند ، ما هم این نماز را دو رکعت می خوانیم و هر چیزی که رسول خدا (ص) در این دو رکعت نماز صبح می خواند ، ما هم می خوانیم ؛ کمیت نمازهای ما با نمازهای رسول خدا (ص) مساوی است . دیگر ما نمازی بالاتر از نماز رسول خدا (ص) که نداریم ؟ فرق بین نمازهای ما و پیغمبر عظیم الشان اسلام (ص) ، در کیفیت است ؛ یعنی دو رکعت نماز صبح او را پروردگار عالم در یک کفه بگذارد ، و کل نمازهای جن و انس را در یک کفه دیگر بگذارد ، کفه نماز ایشان سنگین تر خواهد بود ، به خاطر باطن نمازش که برای ما هم روشن نیست . بعد از تکبیر چهارم ، ضرورتاً و به صورت واجب ، نماز گزار میت باید بگوید : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ .» این دعا درحالی که دعاکننده هم پیغمبر (ص) است و در نتیجه ، کیفیت دعا هم بی نظیر می باشد ، به محض این که پیغمبر (ص) تکبیر پنجم را گفت و نماز تمام شد ، جبرئیل (ع) با این آیه نازل شد : «اسْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (۲) : حسیب من ! چه تو به جانب من دست به دعا برداری و از من بخواهی این قبیل مرده ها را بیمارزم ، و چه چنین درخواستی را از من نکنی ، خواستنت یا نخواستنت برای من مساوی است ، من تا به ابد چنین افرادی را نمی آمرزم ؛ یعنی این دعای تو در مورد چنین افرادی مردود است (۳) . اما نسبت به حضرت سیدالشهداء (ع) ، اراده حق این است که هرگز دعای او را رد نکند . این یک امتیاز و یک ویژگی حضرت سیدالشهداء (ع) است . البته ، حضرت سیدالشهداء (ع) مورد دعا را می داند ، اما اگر اتفاقاً در موردی که به نظر می آید قابل اجابت نیست و ایشان وارد دعا بشوند ، اجابت قطعی می شود . آن وقت مقام روحی ، محبت ، عشق ، نرمی و کرامتشان تا جایی است که مرحوم ملا آقای دربندی (ره) که از مراجع شیعه بود و در زمان حیاتش ، سالی شش ماه در تهران به سر می برد و شش ماه هم در کربلا ،

در زمانی که در کربلا به سر می‌برد، بعد از نماز صبح تا اذان ظهر به حرم آمده و فقط گریه می‌کرد در حالی که هیچ کتاب دعایی را هم با خودش نمی‌برد. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر ناهار می‌خورد و کمی استراحت، و بعد دوباره به حرم کنار ضریح می‌رفت و تا اذان مغرب گریه می‌کرد و این گریه بند هم نمی‌آمد. در این شش ماه هم فقط یک درخواست از اباعبدالله (ع) داشت و شش ماه برای اجابتش گریه می‌کرد و درخواستش هم این بود: حسین جان! برای دل‌خوشی ما، به حق مادرت زهرا، از تو می‌خواهم در قیامت از شمر نگذری؛ چون آن چیزی که من درباره‌ی تو می‌دانم این است که تو در عفو نمودن، چه کسی هستی؟ ترسم این است که همین که در قیامت وارد بشوی، بگویی، خدایا! از قاتل من بگذر. امروز سوم شعبان که روز ولادت مولای ما اباعبدالله حسین (ع) است درباره‌ی معنای کلمه مولا بحث می‌کنیم که مولا یعنی چی؟ و این که عبد یعنی چه؟ و این که روز آزادی عبد با اشاره‌ی مولا یعنی چه؟ این را باید از متخصصان خیلی متخصص پرسید. سواد من در حد طلبگی معمولی است و بیش‌تر از آن را نمی‌دانم و اصلاً نمی‌فهمم.

### هیچ قلم و مُرگبی برتر از خون حسین (ع) نیست

مطلب دیگری که در این روز فرخنده باید بگویم، این است که رسول خدا (ص) می‌فرماید، هیچ کار نیکی در تمام عالم وجود، بالاتر از شهادت در راه خدا نیست، هیچ کار نیکی (۴) در روایت دیگری که هم اهل سنت و هم شیعه آن را از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند، حضرت چنین فرمود: مُرگبی که عالمان دین برای رساندن دین به مردم به کار می‌گیرند و با آن کتابی، تفسیری، فقهی می‌نویسند، قیمتش از خون شهدا بیش‌تر است (۵). اما حالا باید دید قیمت این مُرگب، بیش‌تر از خون کدام شهدا است؟ چون در عالم خونی است که خون ویژه می‌باشد و میلیاردها قلم و دریاها مُرگب، نمی‌توانند با این خون ویژه نسبت برقرار کنند.

### سلام امام عصر بر خون حسین (ع)، به عنوان خون زنده

خون امام حسین (ع)، خونی ویژه است. امام زمان عجز از این خون تعبیر به خون زنده کرده و می‌فرمایند: من به این خون زنده، سلام می‌کنم. (۶) ما تا حالا نشنیده بودیم. خون زنده خونی پاک است تا وقتی که پنهان است. به محض این که از پنهانی در آمد، نجس می‌شود و نماز با آن باطل است؛ طواف با آن باطل است؛ شاید حکمت آن این باشد که خون در پنهان، دارای گلبول‌های قرمز و سفید متحرک است. وقتی خون بیرون می‌آید، گلبول‌ها از حرکت می‌افتند و فوراً زمینه‌ی ظهور میکروب پیش آمده و آن خون نجس می‌شود. اما امام زمان (عج) می‌گوید: سلام بر این خون‌های زنده، نه خون‌های آدم‌های زنده. خود خون را می‌گوید، خون زنده. سلام بر این خون‌های زنده؛ این خونی که در کربلا ریخته شده و صاحبش اعلم علمای اولین و آخرین بود. یعنی این جا نباید پای مُرگب و قلم فقها، مفسرین و حکمای الهی را به میان کشید. علم کل در کنار علم ابا عبدالله (ع)، جهل است. این جا بحث علم عالمان و مرکب و دواتشان قابل طرح نیست. خود این خون، مُرگبی شد برای نوشتن همه حقایق تا به قیامت. خود این خون، کتابی است به پنهانی آفرینش. امروز که حضرت امام حسین (ع) به دنیا آمد، جبرئیل (ع) نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله! خدا می‌فرماید: این فرزندی که به تو دادم، خزانه علم من است، نه خزانه علم گذشتگان و آیندگان. یک وقت انسان به حوزه می‌رود تا استادی را انتخاب کند، و سپس سی سال پای درس آن استاد می‌نشیند و این گونه علم آن‌ها را به خودش منتقل می‌نماید. این جا پروردگار می‌گوید، این مولود همین الان که به دنیا آمده، نه در آینده، خزانه علم من است. بنابراین، آن حضرت (ع)، شهید عالم است؛ شهید با معرفت است؛ شهید بصیر است، و علم و دانایی او و خبیری و بصیرتش، از الله است، نه از معلمان بشری. در این جا پرونده این روایت هم بسته شد و معلوم شد این که پیغمبر (ص) می‌گوید، مُرگب علما از خون شهدا افضل است، منظور خون کدام شهید است.

## تجلیل ویژه پیامبر (ص) از امام حسین (ع) : حسین از من است و من از او

برادران و خواهرانم! مطلب دیگری که شایسته است در این روز فرخنده بگویم، مطلبی است که خواندن پرونده آن و فهمش برای شما، نیاز به این دارد که انسان قاعده بسیار بسیار علمی و قابل بحث اتحاد عاقل، عقل و معقول را هضم کرده باشد. این بحث بحثی است که بیش از سه هزار سال است که مورد توجه حکمای الهی می‌باشد. نتیجه این بحث چنین است که: وجود انسان‌ها در حرکات عقلی که برای خدا دارند، با عاقل، با عقل و با معقول؛ یعنی آنچه از معرفت و معلومات که عقل آن را گرفته، متحد می‌شود. این روایتی که می‌خواهم بخوانم، با این پرونده و با این قاعده قابل حل است که البته، توضیح این قاعده، از دست من بر نمی‌آید، بلکه آن مقداری را هم که بلد هستم و خوانده‌ام، اگر بخوام بیان کنم، تنها خودم و شما را فقط خسته می‌کنم. این روایت را که از رسول گرامی (ص) نقل شده، در کتب سنی دیده‌ام و شیعه هم آن را نقل کرده است. درباره احدی هم چنین متنی از ایشان نیامده است، جز این که آن حضرت (ص) به امیرمؤمنان (ع) گفت: «لَحْمُكَ لَحْمِي، دَمُكَ دَمِي، حَرْبُكَ حَرْبِي، سَلْمُكَ سَلْمِي» (۷). اما شگفت آورتر سخنی است که رسول گرامی (ع) درباره ابوعبدالله (ع) فرمودند: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ». «(۸) این «منی» دارای بحث خیلی سنگینی است. یک رباعی می‌خوانم تا شاید فهم این روایت را آسان کند: داند آن عقلی که او دل روشنی است در میان لیلی و من فرق نیست من کیم لیلی و لیلی کیست من ما یکی روحیم اندر دو بدن (۹) یک خط این رباعی را من به نقل از پیامبر (ص) می‌گویم: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ». «(۱۰) حالا باید رفت سراغ پیامبر (ص) و بینیم پیغمبر کیست؟ بزرگان دین با دلیل و با برهان، نه با پند و اندرز، ثابت کردند که وجود مبارک رسول خدا (ص) در این عالم، مقام جمع‌الجمعی است؛ یعنی آنچه خدا در بیرون عالم و در باطن عالم دارد، همه را در او خلاصه کرده است؛ یعنی اگر بگویم پیغمبر همه فرشتگان است، خواهم گفت، او چنین است. اگر بگویم پیغمبر همه انسان‌هاست، خواهم گفت، چنین است؛ اگر بگویم پیغمبر همه زندگان با ارزش عالم است، خواهم گفت، چنین است؛ اگر بگویم پیغمبر همه ارزش‌هاست، خواهم گفت، چنین است، و اگر چنین نبود، محال بود این آیه نازل بشود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (۱۱). این آیه دنباله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (۱۲)، است. خدا می‌گوید: من ربّ جهانیان هستم، همین خدا می‌گوید: پیغمبر، رحمت برای جهانیان است؛ یعنی این قدر به او بخشیده‌ام که اگر کل موجودات از سفره‌اش بخورند، سیرشان می‌کند و از او کم هم نمی‌شود. آن وقت، پیغمبر می‌گوید، حسین (ع) نیز این گونه هست.

## عوض‌های شهادت حسین (ع) در دنیا

مطلب دیگری که شایسته است در این روز بگویم، این است که شهادت چنین انسانی، و این که بیاید جانش را برای خدا بدهد، آن هم در زمانی که برای هیچ پیغمبر و امامی چنین ماجرای پیش نیامده است، حتی برای امیرمؤمنان (ع) زمانی که حسین (ع) جانش را برای خدا داد، زمانی بود که اگر او جانش را هزینه نمی‌کرد، چراغ نبوت همه انبیاء، چراغ توحید و چراغ ارزش‌ها برای ابد خاموش می‌شد. او از طریق شهادت، حلقه اتصال بین توحید، نبوت، ارزش‌ها و انسان‌هاست. نمی‌دانم قیمت این شهادت را گرفته‌اید. شهادت این شهید ویژه است، او خزانة علم‌الله است و عبارت «حُسَيْنٌ مِنِّي»، از سوی پیامبر (ص) درباره‌اش گفته شده است. خون، خون زنده است. او در زمانی شهید شده که اگر شهادتش نبود، چراغ نبوت و ارزش‌ها، برای ابد خاموش می‌شد. حالا اگر در این دنیا بخواهند عوض این شهادت را به او بدهند، فکر می‌کنید چه باید بدهند. می‌گویند در مثل مناقشه نیست. چاره‌ای نیست جز مثل زدن. بر مکان اصلی شهر، زمینی هزار متری است که قیمتش از همه زمین‌های شهر بیش‌تر است. شهرداری صاحب زمین را دعوت می‌کند و می‌گوید، به مقدّسات سوگند، نمی‌خواهیم ظلم کنیم، و نمی‌خواهیم حقی را از بین ببریم، حالا



ما این زمین را به نفع مردم شهر لازم داریم. می‌دانیم قیمت آن هم متری دو میلیون تومان است، ما واقعاً برابر ارزش این زمین معوض می‌دهیم و کم هم نمی‌گذاریم. الآن هم پولش را می‌دهیم و به صورت نقد. حالا این معوض را پول بدهیم یا نه، پنج هزار متر زمین را در بهترین نقطه شهر بدهیم که جبران این هزار متر را بکند؟ انتخاب با شما است. من تا حالا در روایات و آیات، کلمه معوض و عوض را در چنین مسأله ویژه‌ای ندیدم. فقط درباره اباعبدالله حسین (ع) است که امام زمان عج می‌فرماید: «الْمُعَوِّضُ مِنْ قَتْلِهِ» (۱۵) معوض نه نسبت به خود اباعبدالله (ع)، معوض نه نسبت به نمازهایش و روزه‌هایش، نه نسبت به این که فرزندی مثل زین العابدین و علی اکبر (ع) را تربیت کرده است، نه چنین نیست. این معوض، فقط قیمت خونس در دنیا است و به قیمت آخرت آن کاری ندارند: «الْمُعَوِّضُ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشَّفَاءَ فِي تَرْبِيَّتِهِ وَالْفَوْزُ مَعَهُ» (۱۶). وقتی که اباعبدالله (ع) خونس را هزینه کرد، عجیب است که امام صادق (ع) می‌فرماید در کربلا حضرت امام حسین (ع)، خونس را، نه به خدا صدقه داد؛ نه آن را انفاق کرد؛ نه آن را عطا کرد و نه با آن معامله کرد؛ بلکه ایشان درباره این خون می‌گوید: «بَدَلَ مَهْجَتَهُ فَيْكُ»: این خون را به رایگان به تو داد و گفت من در مقابل این خون، هیچ نظری جز رضایت تو ندارم. امام زمان عج می‌گوید، وقتی خدا این خون را گرفت، گفت: من قیمتی‌ترین شیء را از حسین بن علی (ع) گرفتم؛ برای همین عدالتم اقتضا می‌کند، معوضش را به او بدهم. امام زمان عج می‌گوید، هر یک از ما نه امام بعد از حسین (ع)، از امام زین العابدین (ع)، با وزنی که دارد، امام باقر (ع)، با وزنی که دارد، امام صادق (ع)، موسی بن جعفر (ع)، حضرت رضا (ع)، حضرت جواد (ع)، امام هادی (ع)، امام عسکری (ع) و من، یک بیست و هفتم معوض خونس هستیم. من فکر نمی‌کنم آسمان‌ها و زمین طاقت حل این مسأله را اصلاً داشته باشند. حل آن برای ما خیلی مشکل است، این مسأله از قبیل این سخن حق تعالی هست: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (۱۷). ما نه تن با هر مقامی که داریم، در مجموع، تنها یک سوم عوض آن خونیم. من از سنگینی این مسایل، واقعاً قلبم در فشار قرار گرفته است. نمی‌دانیم امام حسین (ع) کیست؟ واقعاً نمی‌دانیم. پس خدایا! به ما محبت کن و او را به ما بشناسان؛ ما نسبت به ایشان جاهلیم و نمی‌دانیم او کیست. و امّا معوض دوم که یک سوم دیگر معوض خون امام حسین (ع) می‌باشد، این است که شخص پروردگار خوردن هر خاکی را از زمان آدم تا قیامت، و به طور کلی، خوردن همه خاک‌ها را حرام کرده است؛ چنانچه اگر خدای ناکرده، زلزله پیش بیاید و قبر پیغمبر (ع) خراب بشود و دوباره بخواهند لحد ایشان را بچینند، اگر بگویند: مقداری خاک زیر صورت ایشان را یا خاک زیر صورت زهرا (س) را برداریم و به مریضمان بدهیم، حرام است، اما اراده خدا به این تعلق گرفت که یکی از داروهای این عالم هستی را، نه خاک زیر صورتش را، چون صورتش آنجا نیست، و نه خاک زیر گلوی بریده او را، بلکه خاک قبرش را قرار دهد. امام زمان (عج) می‌گوید، این هم یک سوم عوض که خدا از حرمت حرامش دست برداشت و گفت، خاک حسینم، حلال است، آن هم برای آن جایی که هیچ کلیدی نتوانست مشکل را حل کند. آن کلیدی را که مشکل غیر قابل حل را حل می‌کند، خاک حسین من است. قافله غافل به گذرگاه عشق آمد و پرسید همی شاه عشق گفت چه نام است بر این سرزمین از چه در این جاست دل اندوهگین گفت یکی نام بود ارض طف طوفنگه عرش برین از شرف گفت یکی نام بود نینوا زان دل عشاق چونی در نوا گفت یکی کرب و بلا-زد فغان شه که قف ای قافله عاشقان بار گشایید که منزل رسید کشتی عشاق به ساحل رسید بار گشایید شهیدان عشق کعبه همین جاست در ایمان عشق جلوه باغ ارم از کربلاست رونق دیر و حرم، از کربلاست هر که زده جامه جام بلا-بار گشایید به صف کربلا کرب و بلا درس وفا می‌دهد تربت عشق است و شفا می‌دهد اما یک سوم دیگر عوض این است: «وَالْفَوْزُ مَعَهُ». امام زمان عج می‌گوید، هر کس در دنیا و آخرت، باطنش، ظاهرش و عملش بوی حسین (ع) را بدهد، به طور یقین، اهل نجات است و شکی در آن وجود ندارد: «وَالْفَوْزُ مَعَهُ». خدا نگاه و سخن دیگری به اباعبدالله (ع) دارد.

علامه امینی (ره) در جلد ششم الغدیر نقل می‌کند پدر و مادری ناصبی، دشمن اهل بیت:، در بحرین زندگی می‌کردند که بچه‌دار نمی‌شدند. آن‌ها پنج یا ده سال بود که ازدواج کرده بودند. یک شب آن زن و شوهر برای خدا نذر کردند که اگر خداوند متعال فرزندی به آن‌ها بدهد، هجده و نوزده سالش که شد، او را غرق اسلحه کنند تا در راه کربلا برود و به غارت اموال زوار حسین و کشتن زائرانش بپردازد. خدا هم این نذر را قبول کرد. آن‌ها بچه‌دار شدند. آن پسر، هجده و نوزده سالش که شد، پدر و مادرش او را صدا کردند و به او گفتند، ما چنین نذری کردیم. او هم که خودش ناصبی شده بود، قبول کرد. او را مسلح کردند و نشانی راه کربلا را به او دادند. او به راه کربلا رفت و برای انجام مقصودش در گودالی پنهان شد. گاهی از آن گودال سر می‌کشید تا ببیند آیا جمع زواری به کربلا می‌روند تا او از آن گودال بیرون بجهد و پس از کشتنشان، اموالشان را ببرد. چون روز اول بود، کمی که منتظر ماند، خسته شد و درون همان گودال به خواب سنگینی رفت. در خواب دید که قیامت هست و افرادی آمدند و می‌چ او را گرفتند و گفتند، به دادگاه بیا، هم قاتلی و هم دزدی. در قیامت راه فراری هم برای کسی نیست. وقتی او را داخل آن دادگاه می‌کنند، می‌گویند، این فرد محاکمه ندارد؛ پرونده‌اش را باز نکنید و او را خجالت ندهید. او هنوز کسی را نکشته است، هر چند نیت آن را داشته، و مالی را هم نبرده، هر چند نیت آن را داشته است. او اهل نجات است؛ چون عده‌ای از زائران حسین (ع) هنگامی که او خواب بود، آمدند و رد شدند و گرد و غبارشان، بر روی لباس‌های این فرد ریخته و او اکنون بوی حسین (ع) را می‌دهد. او نباید به جهنم برود. که ناگهان بیدار می‌شود و اسلحه‌اش را دور می‌اندازد و شمشیر و خنجرش را پرت می‌کند و با پای پیاده به طرف کربلا می‌دود و به زیارت حرم امام حسین (ع) می‌رود. • علامه امینی (ره) می‌گوید: حسین جان، گرد و غبار زائرت که آدم را از جهنم نجات بدهد، دیگر بودن با خودت با آدم چه می‌کند؟ این نگاه، نگاه خدا به اباعبدالله حسین (ع) است. و اما چگونه ما موقعیت امام حسین (ع) در قیامت را بفهمیم؟ وقتی در دنیا نتوانستیم این موقعیت را بفهمیم، آیا در قیامت خواهیم توانست آن را بفهمیم؟ به راستی، ما ورود او را و نگاه به او را در قیامت و محشر نمی‌دانیم.

### پیامبر (ص)، اولین زائری که بر حسین (ع) می‌گرید

امروز ولادت مولودی است که همه انبیاء منتظر او بودند؛ مولودی که همه انبیاء در گرفتاری‌ها به او متوسل شدند وقتی حسین (ع) متولد شد، پیامبر (ص) دو بار به خانه فاطمه (س) رفت که نورسیده را زیارت کند. یکبار در همان آغاز ولادت به نزد صفیه بنت عبدالمطلب، عمه‌اش و قابله حسین (ع)، رفت و گفت: ای عمه! فرزندم را بیاور. صفیه گفت: پدر و مادرم فدای تو باد! چگونه او را به تو بدهم، و من هنوز او را تمیز و پاکیزه نکرده‌ام. حضرت گفت: به کسی که جان محمد در دست اوست، او را خداوند از بالای عرش پاکیزه نموده است، بعد دست‌هایش را گشود و با کف دستانش او را از من گرفت، پس سر نوزاد را به زیر آورد و شروع کرد به بوسیدن شاهرگ‌ها و گونه‌هایش و مکیدن زبانش؛ مثل اینکه داشت غسل و شیر می‌مکید. سپس حضرت (ص) گریه‌ای طولانی نمود. بعد که هشیار شد، گفت: خداوند بکشد قومی را که تو را می‌کشد. صفیه گفت: حییم محمد (ص)! چه کسی عترت رسول الله (ص) را می‌کشد؟ حضرت گفت: ای عمه! گروه ستمگری از بنی‌امیه (۱۸). کمی بعدتر، پیامبر (ص) چون عاشق مشتاقی که بی‌صبرانه منتظر دیداری دوباره با معشوق خود است، باز به دیدار حسین (ع) شتافت. به اسماء، خدمتکار حضرت فاطمه (س)، گفت: پسر من را بیاور. اسماء نورسیده را در تکه پارچه سفیدی گذاشت و به نزد پیامبر (ص) آورد. سپس حضرت در گوش راست این نوزاد اذان گفت و در گوش چپش هم اقامه خواند و بعد او را در دامنش گذاشت و گریست. اسماء گفت: پدر و مادرم فدای تو باد، از چه چیز می‌گریی؟ پیامبر (ص) گفت: بر پسر من گریانم. اسماء گفت: او که اکنون تازه به دنیا آمده؟ حضرت که جبرئیل (ع) او را باخبر کرده بود، گفت: گروه ستمکاری او را خواهند کشت. خداوند شفاعتم را به آنان

نرساند . سپس فرمود : ای اسماء ! فاطمه (س) را از این خبر آگاه نکن ؛ چون او به تولد او قریب‌العهد هست . (۱۹)

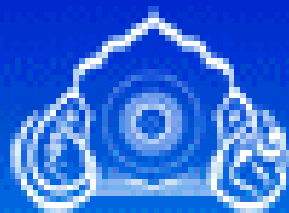
## پاورقی

۱ . سید بن طاووس حسنی ، اقبال‌الاعمال ، ج ۲ ، ص ۳۳ . ۲ . توبه : ۸۰ . ۳ . علی بن ابراهیم قمی ، تفسیر قمی ، ج ۱ ، ص ۳۰۲ . ۴ . شیخ کلینی ، کافی ، ج ۲ ، ص ۲۴۸ . ۵ . شیخ صدوق ، من لایحضره الفقیه ، ج ۴ ، ص ۳۹۹ - جلال‌الدین سیوطی ، درالمنثور ، ج ۳ ، ص ۷۲ . • . «السَّلَامُ عَلَى الدَّمَاءِ السَّائِلَاتِ» . ۶ . ( شیخ حر عاملی ، امل‌الآمل ، ج ۲ ، ص ۲۵۷ . ۷ . علامه مجلسی ، بحارالانوار ، ج ۹۹ ، ص ۱۰۶ . ۸ . جعفر بن محمد بن قولویه ، کامل‌الزیارات ، ص ۱۱۶ - جلال‌الدین سیوطی ، جامع صغیر ، ج ۱ ، ص ۵۷۵ . ۹ . مولوی . ۱۰ . همان قبل . ۱۳ . انبیاء : ۱۰۷ . ۱۴ . فاتحه : ۱ . ۱۵ . شیخ طوسی ، مصباح‌المتهدج ، ص ۸۲۶ . ۱۶ . شیخ طوسی ، مصباح‌المتهدج ، ص ۸۲۶ . ۱۷ . حشر : ۲۱ . • . قال الصادق (ع) : «فی طین قبر الحسین ، شفا من کل داء و هو الدواء الاکبر ( من لایحضره الفقیه ، ج ۲ ، ص ۶۰۰ ) ، قال ایضاً : «حریم قبر الحسین خمسۀ فراسخ من اربعۀ جوانب القبر» ( همان . • ) . البته ، این پسر بعداً از علمای بزرگ شیعه شده و ادبیاتش درباره غدير امیرمؤمنان (ع) جزء ادبیات صف اول می‌باشد و علامه امینی ادبیات عالمانه‌اش را آورده و تفسیر کرده است . ۱۸ . محمد بن سلیمان کوفی ، مناقب امیرالمؤمنین (ع) ، ج ۲ ، ص ۲۳۴ . ۱۹ . شیخ صدوق ، عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱ ، ص ۲۹ . .

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید

نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... (د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

